

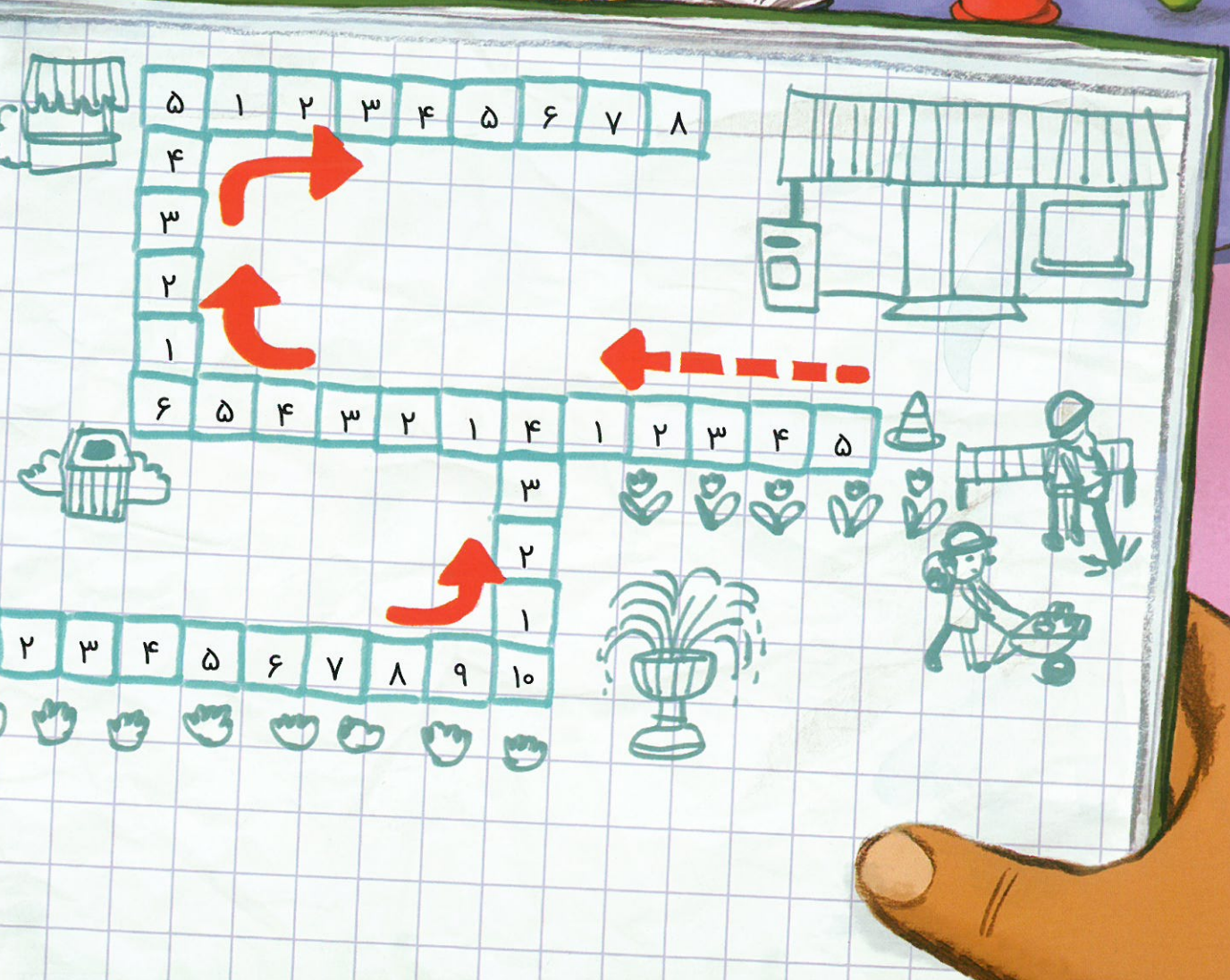
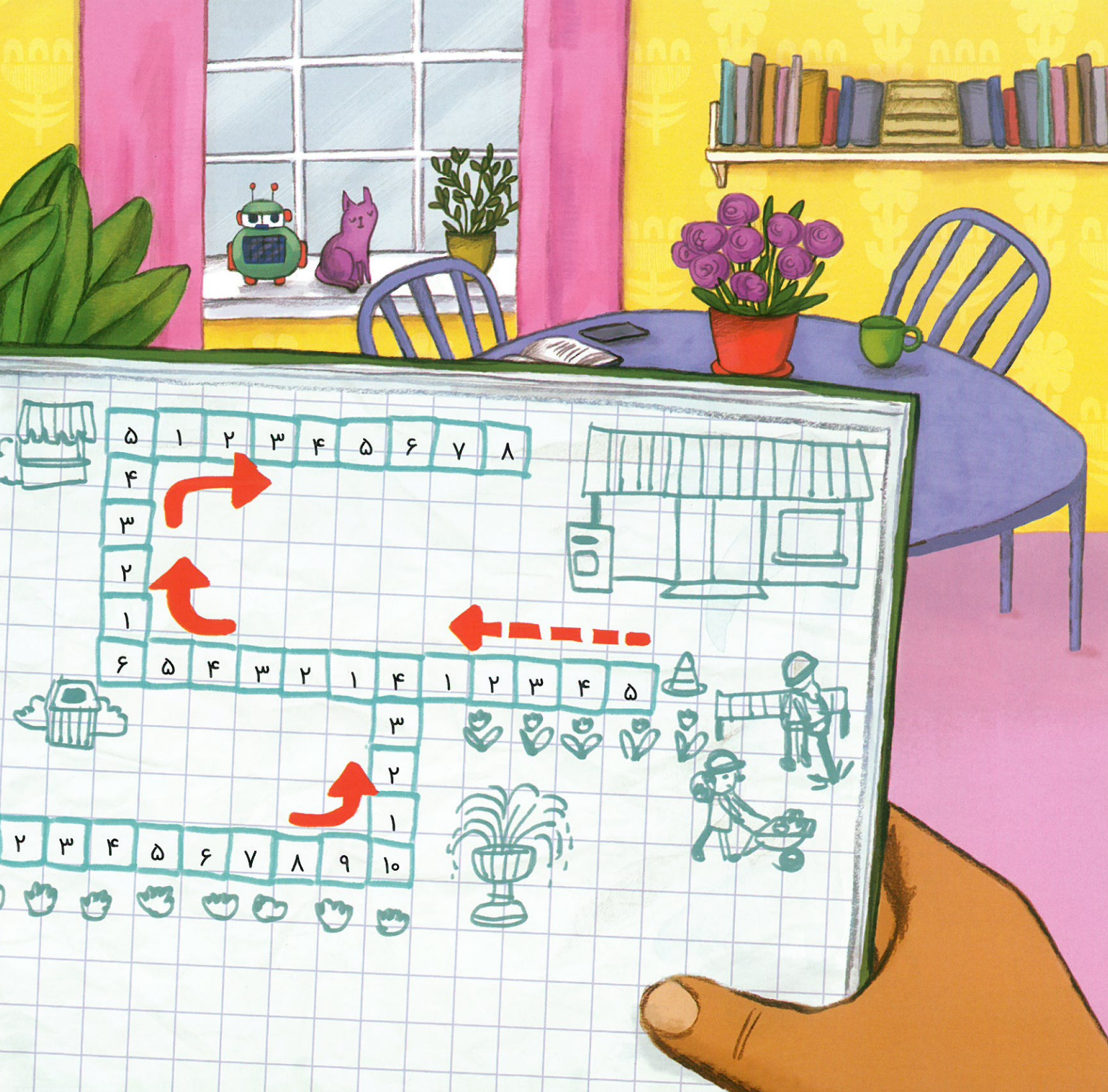
سَم می‌خواهد امروز خانه‌ی خاله جودی بماند.
خاله جودی می‌گوید: «سَم، فکر کنم قرار است
امروز خیلی به ما خوش بگذرد!»





سم نگاهی به همه‌ی وسایل الکترونیکی و کامپیوتری
اتاق کار خاله‌اش می‌اندازد.

بعدش می‌پرسد: «خاله جودی، شغل شما چیه؟»



آن‌ها با بسته به خانه برمی‌گردند.

سم می‌پرسد: «قبل از بازکردن بسته، می‌توانم کدی را که ساخته‌ام روی کاغذ بنویسم؟»
خاله جودی جواب می‌دهد: «حتماً، چرا که نه!»

